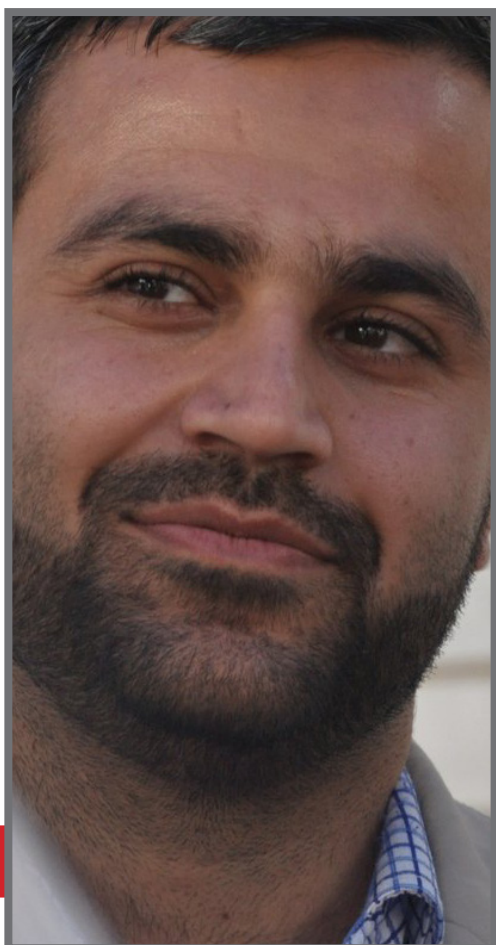




گفتگو با **مهدی نوروزی**  
عضو **گروه ۱۰۴** **شهره** انتخابات یازدهمین دوره  
مجلس شورای اسلامی در **گراشی**؛

**چرا**  
**ایده‌های شورای شهر**  
**تکرار کار گروه ۹۴**  
**بود؟**

اعضای گروه ۱۰ نفره از گروه‌های مختلف فرهنگی گراش و با سلايق متفاوت سياسي هستند. در طيف راست اين گروه مهدی نوروزی، مهدی وفایی فرد و مهدی قنبری حضور دارند که در نقطه مقابل این تیم به لحاظ سیاسی، محمد خواجه‌پور و مسعود غفوری در طیف چپ هستند.

**مهدی نوروزی** پس از سال‌ها تحصیل در دانشگاه‌های یزد و فردوسی مشهد، چند سالی است که به گراش بازگشته و اکنون عضو هیات علمی مجتمع آموزش عالی لارستان است. مهمترین فعالیت اجتماعی مهدی نوروزی پیش از حضور در گروه ده نفره، نقش موثر وی در راه‌اندازی کانون دانشجویان و دانش‌آموختگان گراش معروف به کاداگ است. آنچه در ادامه می‌خوانید گفتگوی آینه گراش با نوروزی در خصوص انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه لارستان، خنج، گراش و اوز و نقش گروه ده نفره در این انتخابات است.

ابتدا از اینکه وقت خودتان را در اختیار نشریه قرار دادید، سپاسگزارم. در انتخابات سال ۹۴ کارگروهی در شهر گراش به وجود آمد که در نهایت نتوانست بین کاندیداهای گراشی اجماع شکل دهد.

امسال افراد جوان و متفاوتی البته به غیر از آقای مهدی عالمی، کارگروه جدیدی را شکل دادید که در بین مردم به گروه ده نفره معروف شدید. نخست اینکه چه تجربه‌ای از کارگروه دوره قبل کسب کردید و در نتیجه چه رویکردی را در این دوره اتخاذ کردید؟ دوم اینکه آیا با معتمدین و افراد صاحب قدرت و نفوذ در شهر همکاری و هماهنگی

## داشتید و آیا احتمال می‌دادید که آن‌ها در مسیر شما خلی ایجاد کنند؟ و سوم اینکه تا چه میزان به موفقیت عمل خود اطمینان داشتید؟

**نوروزی:** ضمن تشکر از شما، خدمت خوانندگان آینه گراش سلام عرض می‌کنم؛ هم‌چنین اعتماد مردم چهار شهرستان جنوب فارس به آقای مهندس حسین‌زاده را تبریک عرض می‌کنم و برای ایشان آرزوی موفقیت دارم.

به دلیل تفاوت‌هایی که انتخابات این دوره از مجلس، در مقایسه با حداقل دو دوره انتخابات قبلی مجلس (دوره‌های نهم و دهم) در این حوزه انتخابیه داشت؛ جا دارد نویسندگان و صاحب‌نظران درباره خصوص آن بنویسند و فرآیندی که منجر به انتخاب مهندس حسین‌زاده شد را تحلیل کنند.

البته علاوه بر آقای مهدی عالمی، آقای حسین فولادی هم عضو کارگروه دوره‌ی قبل بودند که حضورشان در گروه ۱۰ نفره و هم‌چنین بازخوردهایی که از اشخاص دیگر، از جمله دو کاندیدای مشترک این دوره و دوره قبل (آقایان حسین‌شیری و حسین‌زاده) گرفته شد، کمک کرد تا برداشت واقعی‌تری از کارکرد کارگروه ۴ سال قبل و مزایا و معایب آن به دست بیاید.

به نظرم مهم‌ترین درسی که از تجربیات قبلی اجماع می‌شد گرفت این بود که برای موفقیت در اجماع، اولاً باید در همه‌ی مراحل طرح شفافیت وجود داشته باشد. ثانیاً اینکه جزئیات ساز و کار نهایی اجماع، به تایید خود کاندیداها برسد و ثالثاً برای کاندیداها و حامیان‌شان یک اطمینان نسبی ایجاد شود که گروه پیشنهاددهنده و برگزارکننده‌ی اجماع، به کاندیدا و یا حتی به سلیقه‌ی سیاسی مشخصی تمایل ندارد و یا حداقل سازوکار به نحوی طراحی شده باشد که این شائبه در مراحل مختلف فرایند

اجماع و خروجی آن تاثیر گذار نباشد. در مورد اول (یعنی شفافیت)، بنای گروه از ابتدای کار بر این بود که چه برای کاندیدها و طرفدارانشان و چه برای مردم نکته‌ی مبهمی در خصوص ساز و کار اجماع باقی نماند؛ به همین منظور، جزئیات سازوکار پیشنهادی اجماع به صورت مکتوب در رسانه‌ها منتشر و از عموم مردم و صاحب‌نظران خواسته شد که نظرات و پیشنهادات اصلاحی خودشان را برای گروه ارسال کنند؛ هم‌چنین طی یکی دو جلسه، طرح برای کاندیدهای محترم توضیح داده شد و تا حد امکان نظرات اصلاحی‌شان در خصوص ساز و کار اجماع در طرح نهایی لحاظ شد.

در مورد دوم (تایید خود کاندیدها)، خروجی ساز و کار پیشنهادی، به تایید خود کاندیدها رسید و آنان به صورت مکتوب و البته اخلاقاً، متعهد به پایبندی به خروجی طرح اجماع شدند. در مورد سوم (ایجاد اطمینان از بی‌طرفی گروه) اقداماتی که صورت گرفت این بود که اولاً چیش اعضای گروه ۱۰ نفره به نحوی بود که از سلايق و تفکرات سیاسی و اجتماعی مختلف شهر بودند، لذا شائبه‌ی سوگیری گروه کمتر مطرح شد. ثانیاً سعی شد مدعوین و معتمدین جلسه اجماع به صورت مساوی توسط خود کاندیدها انتخاب شوند و در جلسه اجماع، ناظرین خود کاندیدها بر فرآیند رای‌گیری نظارت داشته باشند و در نهایت، برای کم رنگ کردن این شائبه، اعضای گروه ده نفره و تیم اجرایی جلسه‌ی اجماع، حق رای را از خود سلب کردند.

اما در خصوص همکاری و هماهنگی با بزرگان شهر، باید اعتراف کنم که ما نتوانستیم همراهی و همکاری معناداری از آن‌ها را - حداقل تا زمان برگزاری جلسه‌ی اجماع - داشته باشیم.

محوریت کار گروه ۴ سال قبل، با شورای شهر - به عنوان تنها جایگاه

رسمی مردمی شهر- بود؛ اما در این دوره، اگرچه تلاش‌هایی در زمینه تعامل با شورا صورت گرفت اما به دلیل مسائل داخلی که شورا با آن درگیر بود، این تعامل محقق نشد. با بزرگان و معتمدینی که در دو انتخابات گذشته‌ی مجلس فعال بودند هم طرح موضوع شد، اما عموماً با ذهنیتی که از انتخابات قبل داشتند، تمایلی برای ورود به این عرصه از خود نشان ندادند.

برخی دیگر از بزرگان و معتمدین نیز به دلیل عضویت در هیات‌های نظارت و اجرایی انتخابات، برای ورود به این عرصه منع قانونی داشتند؛ در واقع اعلام موجودیت جوانان (گروه ۱۰ نفره و جمعیت جوانان) در این انتخابات، بعد از آن بود که احساس شد به هر دلیل کسی متکفل سر و سامان دادن به مسائل انتخابات مجلس در شهر نیست.

البته بعد از جلسه اجماع، تقریباً همه بزرگان شهر و در راس آن‌ها امام جمعه محترم به قضیه ورود کردند و کار نیمه تمام جوانان را تکمیل کردند.

در خصوص این سوال هم که فرمودید تا چه میزان به موفقیت عمل خود اطمینان داشتید، باید گفت همان‌طور که پیش از این هم در بیانیه‌ی گروه ۱۰ نفره اعلام شده بود هدف اصلی گروه، «اجماع شهر بر کاندیدای واحد گراشی» بود؛ اما در کنار این هدف محوری، ایجاد فضای گفتگوی بین کاندیداها و مردم و هم‌چنین ارائه و معرفی الگویی نظام‌مند برای رسیدن به یک هدف مشترک اجتماعی مدنظر گروه قرار داشت؛ اگرچه شاید چند ماه قبل از انتخابات امید حداقلی برای رسیدن به هدف اصلی (رسیدن به کاندیدای واحد) وجود داشت اما این اطمینان وجود داشت که این تلاش، در ارائه یک مدل و الگوی گفتگو محور و نظام‌مند برای رسیدن به هدفی که خیر عموم گراش را در بردارد موفق خواهد

بود؛ با این امیدواری کار پیش رفت و با نزدیک شدن به انتخابات، امیدواری برای رسیدن به هدف اصلی نیز بیشتر و بیشتر شد. آن چه مهم است این بود که در جو ناامیدی عمومی که در چندماه قبل از انتخابات بر گراش حاکم بود، امیدواری جوانان آن‌ها را از حرکت متوقف نکرد و در نهایت این امیدواری توام با تلاش علمی و نظام‌مند، به لطف خدا و همکاری ایثارگرانه‌ی کاندیدای دیگر شهر و همراهی مردم و بزرگان به سرانجام مطلوب رسید.

**آقای مصطفی خورشیدی عضو شورای شهر مدعی بودند که برای اجماع طرح داشتند و طرحی که شما اجرا کردید، رونوشت از طرح او بوده است. اول اینکه آیا گفتگویی با اعضای شورای شهر داشتید و دوم اینکه آیا سخن خورشیدی را تایید می‌کنید؟**

**نوروزی:** بعد از نهایی شدن کلیات سازوکار اجماع در گروه ده نفره، تقریباً اولین جایی که برای مشورت و تعامل مراجعه شد، شورای شهر بود و دوستان سازوکار را برای آقایان باقرزاده و خورشیدی تشریح کردند.

ظاهراً نظر آقای خورشیدی این بود که اولاً مدیریت اجماع با اعضای شورای شهر باشد و ثانیاً اینکه انتخاب معتمدین به کاندیدها سپرده نشود و شورا ۱۰۰ تا ۲۰۰ نفر از معتمدین را انتخاب کند و این افراد از بین کاندیدای تایید صلاحیت شده، کاندیدای اجماع را انتخاب و به مردم معرفی کنند. گروه ۱۰ نفره بارها اعلام کرده بود که اصراری بر اجرای سازوکار توسط خود گروه ندارد و مجری سازوکار می‌تواند شورای شهر و یا هر نهاد دیگری باشد، اما معتقد بود شیوه‌ی پیشنهادی آقای خورشیدی نتیجه‌ای بهتر از خروجی کار گروه ۴ سال قبل نخواهد داشت و با



توجه به اینکه خود کاندیدها در فرایند اجماع (از جمله در انتخاب معتمدین) نقش حداقلی دارند، خروجی این طرح، قابلیت پذیرش برای نامزدهای دیگر را ندارد. از طرف دیگر در آن مقطع، با توجه به حمایت یکی از اعضای شورا از کاندیدای بزرگواری که ثبت‌نام کرده بود، شائبه‌ی سوگیری و جانبداری شورا و یا معتمدین منتخب شورا از یک کاندیدای خاص هم می‌توانست مطرح شود؛ تاکید می‌کنم «می‌توانست مطرح شود» و نه «مطرح بود».

به هر صورت، اینکه کاندیدای واحد شهر می‌بایست توسط گروهی از معتمدین شهر انتخاب و معرفی شود، مساله‌ی واضحی بود و آنچه طرح گروه ده نفره را از طرح ایشان متفاوت می‌کرد، جزئیات سازوکار اجماع بود که تفاوت زیادی با هم داشت.

**گروه ده نفره از ابتدا تاکید بر شفافیت داشته است، اما محتوای جلسات خود را با کاندیدها منتشر نکرد و عنوان نشد که با چه شخصیت‌های موثری جلسه داشته‌اید که البته شما به دو تن از آنها یعنی آقایان باقرزاده و خورشیدی اشاره فرمودید. دیگر جلسات با چه کسانی بود و چه موضوعاتی مطرح شد؟**

**نوروزی:** انتشار اظهارنظر و تحلیل افراد در مورد مسائل سیاسی و اجتماعی شهر و به ویژه در خصوص انتخابات، معمولاً خالی از ایجاد حاشیه نیست و ممکن بود انتشار یک اظهارنظر، منجر به ایجاد خلل در رسیدن به هدف اصلی یعنی اجماع شود. از طرفی، گاهی نگرانی از به وجود آمدن این حواشی، باعث عدم صراحت و محافظه‌کاری در بیان نظرات می‌شد؛ این حساسیت وقتی به اوج می‌رسید که توجه شود حداقل ۴ نفر از گروه ۱۰ نفره از اهالی رسانه‌های محلی بودند.

بر همین مبنا و برای ایجاد فضای اعتماد در ابتدای گفتگوهای گروه و مدعوین (کاندیدها و اشخاص دیگر)، بر حفظ امانت‌داری گفتگوها، عدم ضبط صدا در جلسات و عدم انتشار گفتگوها تاکید می‌شد که البته این مساله خواسته‌ی بسیاری از کاندیداهای محترم و مدعوین هم بود؛ لذا به رسم امانت و تعهدی که گروه به افراد داده بود، جز در جلسه نهایی اجماع، نه صدایی ضبط و نه نقل قولی از جلسات با اشخاص مختلف توسط گروه ده نفره منتشر شد.

شفافیتی که همواره توسط گروه مطرح و تاکید شده، در خصوص عملکرد و اقدامات خود گروه ده نفره بود و نه اظهار نظر کاندیدها و مدعوین. به هر صورت، تلاش این بوده که در قبال عملکرد و فعالیت‌های گروه تا حد امکان شفافیت وجود داشته باشد لذا اقدامات انجام شده، طی چند گزارش خبری مبسوط به اطلاع مردم رسید.

اجمالاً گفتگوی با کاندیدها به ارائه‌ی رزومه آنها، دیدگاه‌های شهری و منطقه‌ای و تحلیل‌شان از میزان رای آوری‌شان در رقابت با سایر کاندیدها و نظرشان راجع به کلیت و فرآیند اجماع اختصاص داشت و گفتگوی با مدعوین دیگر، حول تحلیل انتخابات گذشته و پیش‌رو و نظرخواهی در خصوص فرآیند اجماع متمرکز بود.

**باتوجه به اینکه شما مجوز رسمی و قانونی برای فعالیت نداشتید و از قدرت پشتیبانی نگه‌دارنده جز افکار عمومی مردم برخوردار نبودید، از سوی نهادهای رسمی تحت فشار قرار نگرفتید؟**

**نوروزی:** خیر. برگزاری جلسات و گردهای غیر رسمی و غیرعمومی با کاندیدها و دیگر مدعوین نیاز به مجوز خاصی



نداشت. در خصوص جلسه نهایی اجماع که حالت عمومی تری داشت، درخواست برگزاری جلسه‌ی اجماع در سالن سینما با امضای هر چهار کاندیدا تقدیم فرمانداری شد که البته با برداشتی که فرمانداری از ماده ۵۹ قانون انتخابات داشت و با این استدلال که سالن سینما دولتی است، مجوز برگزاری در این مکان صادر نشد؛ اما فرمانداری در پاسخ به این درخواست، کتباً اعلام کرد که برگزاری این جلسه در اماکن غیر دولتی بلامانع است؛ در نهایت، با پیگیری آقای حسین فقیهی جلسه اجماع در حسینیه حضرت ابوالفضل (ع) برگزار شد.

**در جلسه‌ای که بین نامزدها برگزار کردید، آقای جهانبانی حضور نداشت. دلیل عدم حضور ایشان در آن جلسه چه بود؟**

**نوروزی:** استدلال‌شان این بود که شرکت در این جلسه قبل از اعلام تایید صلاحیت‌ها، ممکن است شائبه تبلیغاتی داشته باشد؛ لذا ضمن استقبال از هر فعالیت منجر به رسیدن به کاندیدای واحد، از حضور در جلسه عذرخواهی کردند.

**مهندس حسین‌زاده در ایام تبلیغات انتخاباتی بر موضوع جوان‌گرایی تاکید بسیاری داشتند و به نظر می‌رسد بخشی از آرای منطقه‌ای ایشان نیز به دلیل جوان و متخصص بودنشان باشد. به نظر شما آیا ظرفیت حضور جوانان در عرصه‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری به وجود آمده و چه اقداماتی را باید انجام داد تا این پوست‌اندازی در بدنه مدیریتی منطقه انجام بگیرد؟**

**نوروزی:** خوشبختانه «نیاز» به حضور جوانان در عرصه‌های

مدیریتی و تصمیم‌گیری، هرچند با تاخیر، در جامعه احساس شده اما آیا این به این معناست که «ظرفیت» حضور جوانان در عرصه‌های مختلف مهیاست؟ قطعاً خیر.

به نظر می‌رسد بسیاری از ناکارآمدی‌های گوناگونی که جامعه ما، در سطوح مختلف مدیریتی با آن درگیر است، با حضور جوانان در کنار باتجربه‌ها برطرف خواهد شد. این «حضور جوانان در کنار باتجربه‌ها» به تدریج باید جای خود را به «حضور باتجربه‌ها در کنار جوانان» بدهد و جوانان عنان کارها را در دست بگیرند.

راه این پوست‌اندازی تدریجی این است که جوانان، با همت، سرعت، ابتکار و توانمندی‌های علمی و تخصصی‌شان، اعتماد بزرگترها را جلب کنند و کارآمدی خود را در کوچک‌ترین روزهایی که امکان بروز پیدا می‌کند، به جامعه نشان دهند.

البته نباید انتظار داشت که این اتفاق به صورت دفعی بیفتد. باید امیدوار باشیم که ورود یک نیروی متخصص جوان به عنوان نماینده‌ی مردم جنوب فارس در مجلس شورای اسلامی، باعث حضور گسترده‌تر و سریع‌تر جوانان به عرصه‌ی تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌های منطقه و شهر بشود.

**یکی از شعارهای مهندس حسین‌زاده ایجاد وحدت در منطقه بود. به نظر شما چگونه می‌توان وحدت ایجاد کرد و پیش‌نیازهای وحدت چیست؟**

**نوروزی:** مشترکات مردم این چهار شهرستان بسیار بیشتر از وجوه افتراق آن‌هاست و قاعدتاً صحبت از وحدت در میان مردمی که سالیان درازی هم در منطقه و هم در خارج از کشور با هم زندگی کرده‌اند، نباید مساله غریبی باشد.

منافع و سرنوشت خودمونی‌های این چهار شهرستان به هم گره

خورده و پیشرفت هر شهرستان برابر خواهد بود با پیشرفت سه شهرستان دیگر.

شاید فهم درست از «توسعه بر مبنای عدالت» توسط مسئولین و سپس مردم چهار شهرستان، اولین گام وحدت باشد. باید همگی یاد بگیریم که راه پیشرفت خودمان، محروم کردن دیگران از حق‌شان نیست و این البته با رقابت منافاتی ندارد. رقابت توام با رعایت اخلاق و عدالت عامل اصلی پیشرفت کل منطقه است.

## در انتخابات اخیر، جمعیت جوانان در کنار گروه ده نفره نقش مهمی در تحقق اجماع داشت. شما نقش جمعیت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ تفاوت دو گروه چه بود؟

**نوروزی:** در این انتخابات، مستقل از پیروزی مهندس حسین‌زاده، پیروزی دیگری هم برای گراش حاصل شد و آن هم ایفای نقش موثر جوانان در فرآیند انتخابات بود. در واقع در این انتخابات، جوانان توانستند اعتماد به نفس لازم را برای حضور تاثیرگذار در صحنه‌های اجتماعی شهر کسب کنند و از طرف دیگر، اعتماد بزرگان را نیز تاحدودی به خود جلب کنند. جمعیت جوانان گراش گروه خودجوشی بود که می‌توان آن را یکی از رویش‌های این انتخابات برای گراش دانست که توانست در جهت‌دهی انرژی و توانایی جوانان به نفع گراش نقش‌آفرینی کند.

همان‌طور که قبلاً بارها اعلام شده بود، گروه ده نفره و جمعیت جوانان با وجود تفاوت در روش‌ها و رویکردها، تا حدود زیادی در هدف مشترک بودند؛ تفاوت این دو گروه این بود که گروه ۱۰ نفره معتقد بود، اگر قرار است فرآیند اجماع به سرنوشت دوره‌های قبل دچار نشود می‌بایست تعامل و گفتگوی بین خود کاندیداها تقویت شود و اجماع توسط خود کاندیداها و یا با موافقت

حداکثری آن‌ها شکل بگیرد؛ لذا بیشتر فعالیتش را حول ایجاد شرایط بی‌طرفانه‌ی گفتگو و تعامل بین خود کاندیدها قرار داده بود، در حالی که جمعیت جوانان، ضمن ارتباط با کاندیدها، بیشتر حول بسیج کردن افکار عمومی برای اجماع تلاش می‌کرد؛ لذا جلسات جمعیت به سبک تریبون آزاد دانشجویی مدیریت می‌شد. به نظر می‌رسد رویکرد هر دو گروه برای رسیدن به اجماع مکمل همدیگر بود و این دو در نهایت، در جلسه اجماع به هم رسیدند و جمعیت جوانان در مدیریت جلسه اجماع، همکاری خوبی با گروه ۱۰ نفره داشت.

## و سوال پایانی این است که آیا فعالیت گروه ده نفره به پایان رسیده یا اینکه قرار است فعالیت دیگری هم داشته باشید؟

**نوروزی:** طبیعی است که انتخابات، پروژه‌ای مقطعی بود که به سرانجام رسید؛ لازمه‌ی حضور موثر و مداوم گروه‌های اجتماعی در صحنه تاثیرگذاری، تحلیل عملکرد گذشته و چیدن استراتژی برای فعالیت در آینده است. جمعیت جوانان و گروه ۱۰ نفره هم از این قاعده مستثنی نیستند.

در خصوص فعالیت گروه ۱۰ نفره باید عنوان کنم که شروع فعالیت این جمع دوستانه، انتخابات مجلس نبوده و از مدت‌ها قبل، جلسات داخلی خودش را با موضوعات مختلف شهر داشته است؛ لذا مساله‌ای که در خصوص آینده فعالیت این گروه قطعی است این است که پرونده‌ی انتخابات مجلس پایان کار این گروه نیست و در هر مقطعی که احساس کند می‌تواند در پیشرفت شهر نقشی ایفا کند، فروگذار نخواهد کرد.

بسیار ممنونم. اگر موضوعی مدنظر دارید که به آن  
نپرداختیم و یا نکته‌ای دارید که به عنوان سخن پایانی  
بیان فرمایید، ممنونم.

نوروزی: خواهش می‌کنم. از شما هم تشکر می‌کنم که حوصله  
کردید. امیدوارم سال جدید، سال خوبی برای شما و خوانندگان  
نشریه آینه گراش باشد.